عزیز تنها، نوازنده و مدرس دوتار و
پژوهشگر موسیقی محلی خراسان در گفت‌وگو با شهرآرا مطرح کرد:

چرا جشنواره ساز خراسان باید در تهران برگزار شود؟

مجید خاکپور

گفت‌وگوی روز

عزیز تنها، نوازنده و مدرس دوتار، آهنگساز و پژوهشگر موسیقی محلی شرق خراسان، به گفته خودش دوتار را از ۶، ۷سالگی در تربت جام آغاز کرده است. اما از اواخر دهه ۷۰ به مشهد کوچ کرده و حدود سه دهه است که ساکن این شهر است. او اگرچه به نیت پیگیری یا پیشرفت در موسیقی به مشهد نیامده، حضور در مشهد را در پیشرفت کارش مؤثر می داند و بر این باور است که اقامت در این شهر فرصتی برای انتشار سه کتابش، یعنی «آموزش دوتار و تنبور خراسان» و «مشق پیلتان ۱ و ۲»، که به ترتیب در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۸ منتشر شده اند، فراهم کرده است. او مشهد را شهری می داند که توانسته فرهنگ ها و خرده فرهنگ های مختلف را در خود جمع کند و این اتفاق در زمینه موسیقی هم رخ داده است؛ نه تنها نوازندگان و استادانی از نقاط مختلف استان، بلکه نوای ساز نوازندگان موسیقی نواحی دیگر کشور، مانند غرب و جنوب، نیز در مشهد جریان دارد. برگزاری جشنواره و کنسرت از اقداماتی است که به نظر او می تواند در حفظ، معرفی و گسترش موسیقی محلی خراسان و هویت بخشی به آن بسیار مؤثر باشد؛ چیزهایی که اتفاقا در مشهد ممکن نیست و اجازه برگزاری ندارند. یکی از پرسش های عزیز تنها این است که چرا باید جشنواره یا کنسرت برای دوتار، که ساز خراسان است، در تهران برگزار شود و نه در مشهد؟ دشواری ها و موانع بر سر راه اجرای زنده موسیقی ـ که در مشهد به «اجرای پژوهشی» موسوم شده ـ از دیگر نکاتی است که او با تلخی از آن یاد می کند. گفت‌وگوی ما با او درباره نقش مشهد در موسیقی محلی خراسان و نقاط قوت و کم‌وکاستی های آن است که در ادامه می آید.

از ویژگی های مشهد، تنوع فرهنگی آن است

عزیز تنها پس از اشاره به زمان آمدنش به مشهد در اواخر دهه ۷۰، از کتاب هایش می‌گوید: دوتار خراسان گوشی بود و هنوز هم هست، اما کم‌کم دارد به سمت نت نویسی می رود. من در کتاب هایم مقام ها را نت نویسی کردم. کتاب اولم، «آموزش دوتار و تنبور خراسان»، سال ۸۴ منتشر شد و «مشق پیلتان» یک و دو نیز سال ۹۸. در «مشق پیلتان» ۱۴۰ مقام شرق خراسان ثبت و ضبط و نت نگاری شد. شعرهایش را نوشتیم و داستان هایش را، که به صورت شفاهی بود، جمع آوری کردیم. این اتفاق در مشهد افتاد و حاصل تأثیر این شهر است؛ چون شهر بزرگی است و زمینه آشنایی با آدم ها و استادان مختلف در آن فراهم است. نرم افزار آموزشی دوتار را هم برای نخستین بار طراحی کردم که آن نیز حاصل تأثیر این شهر و محیط بزرگ آن است.

او ادامه می دهد: مشهد شهری است که فرهنگ ها و خرده فرهنگ های زیادی را در خود جای داده و از تنوع فرهنگی بالایی برخوردار است. فکر نمی‌کنم از نظر تنوع فرهنگی چیزی از تهران کم داشته باشد. در مهاجرت هایی که اتفاق افتاد، نوازندگانی هم به مشهد آمدند و جالب است بدانید که نوازندگانی از موسیقی محلی مناطق مختلف ایران در مشهد حضور دارند؛ در این شهر هم تنبور کردستان را داریم و هم موسیقی جنوب را. ویژگی مشهد این است که جمعیت های مختلفی در آن گرد آمده اند. در شهری با این ویژگی ها، جشنواره می تواند بسیار کمک‌کننده و تأثیرگذار باشد.

خراسان که قطب موسیقی محلی کشور است، چرا جشنواره ندارد؟

عزیز تنها، که سابقه داوری در جشنواره های مختلف را نیز دارد، با اشاره به تأثیر جشنواره موسیقی فجر در دهه ۶۰ بر رونق موسیقی نواحی یادآور می شود: در اوایل انقلاب تمرکز بیشتر بر موسیقی محلی بود. نخستین دوره جشنواره موسیقی فجر براساس موسیقی محلی ایران برگزار شد؛ یعنی اساس و پایه جشنواره فجر بر موسیقی محلی مناطق مختلف ایران گذاشته شد. البته این جشنواره ابتدا به صورت تک نوازی و تک خوانی برگزار می شد، اما از سال ۶۶، جشنواره فجر که در تهران برگزار می شد، به شکل گروه نوازی درآمد؛ به طوری که مثلا ۱۰ نوازنده و یک خواننده روی صحنه می رفتند و اجرا می‌کردند. این گروه نوازی تأثیر زیادی بر جوان ها گذاشت تا به سمت موسیقی محلی خودشان بروند. آن جشنواره باعث شد موسیقی محلی ما رشد عجیبی داشته باشد و حتی شمار نوازندگان هم بیشتر شود. آن زمان در تربت جام افراد زیادی نبودند که دوتار بزنند، اما حالا اگر به آنجا بروید، در هر کوچه چندین نفر را می بینید که دوتار می زنند و شاید آن منطقه چند هزار نوازنده داشته باشد. این ها از تأثیرات همان جشنواره است.

او ادامه می دهد: وقتی جشنواره چنین تأثیر چشمگیری دارد و می تواند کمک بزرگی به موسیقی خراسان و کشور کند، چرا در مشهد برگزار نشود؟ خراسان یکی از قطب های موسیقی محلی کشور است. چه اشکالی دارد برای حفظ و توسعه موسیقی محلی جشنواره ای برگزار کنیم؟ جشنواره می تواند کمک زیادی به فرهنگ موسیقی خراسان کند. اما در مشهد، به دلیل شرایط موجود، جشنواره درخور توجهی ندیده ایم. پارسال، بعد از این همه سال، جشنواره موسیقی فجر به خراسان هم آمد، اما آن را هم نگذاشتند در مشهد برگزار شود و نیشابور میزبان آن بود. ضمن اینکه همین جشنواره ها فرصتی هستند تا استادان مختلف بتوانند اجرا داشته باشند، چون در جاهای دیگر امکان اجرای جدی و گسترده چندانی وجود ندارد. اگر جشنواره را هم بگیریم، دیگر چیزی باقی نمی ماند.

عزیز تنها: من در کتاب هایم مقام ها را نت نویسی کردم. کتاب اولم، «آموزش دوتار و تنبور خراسان»، سال ۸۴ منتشر شد و «مشق پیلتان» یک و دو نیز سال ۹۸. در «مشق پیلتان» ۱۴۰ مقام شرق خراسان ثبت و ضبط و نت نگاری شد. شعرهایش را نوشتیم و داستان هایش را، که به صورت شفاهی بود، جمع آوری کردیم

بها دادن به موسیقی محلی، مقابله با تهاجم فرهنگی هم هست

این پژوهشگر موسیقی محلی در بخش دیگری از صحبت هایش به تأثیر و اهمیت اجرای زنده و کنسرت می پردازد و آن را راهی حتی برای جلوگیری از «تهاجم فرهنگی» می داند: با یک نگاه ساده متوجه تأثیر چیزی مثل ماهواره می شوید. از تأثیر ماهواره گلایه می‌کنند، اما کاری برای پررنگ‌کردن آنچه داریم نمی‌کنند. ما سازهای ایرانی و خراسانی داریم، چرا این ها را معرفی نمی‌کنید؟ وقتی چنین فرهنگ بکر و عظیمی با این پیشینه تاریخی داریم، چرا ازش استفاده نمی‌کنید؟ دوتار خراسان که سازی باستانی است و سابقه‌ای چند هزار ساله دارد سرمایه کوچکی برای حفظ میراث ما نیست. در کنسرت ها و جشنواره هاست که می توانیم این ساز را معرفی کنیم. وقتی مردم بیایند و رودررو ساز و نوازنده را ببینند، خوب طبیعی است که تأثیر خیلی بیشتری دارد تا اینکه آن را مجازی ببینند.

تنها می افزاید: اگر می خواهیم از تهاجم فرهنگی جلوگیری کنیم، یکی از راه هایش همین است که به فرهنگ خودمان بها بدهیم. وقتی چنین فرهنگ کهنی داریم، چرا ازش استفاده نمی‌کنید؟ مگر قرار است چطور استفاده شود؟ وقتی کنسرت و جشنواره‌ای برای این ساز در مشهد برگزار شود، مردم هم کم‌کم جذبش می شوند. چرا کنسرت یا جشنواره سازی که مال خراسان است باید در تهران برگزار شود؟ اگر بر پایه همین ساز در خراسان جشنواره‌ای برگزار شود، هم آن را معرفی می‌کند، هم باعث حفظ و گسترشش می شود. حتی می تواند در جذب گردشگر هم تأثیرگذار باشد. یکی از بزرگ ترین رویدادها در حوزه موسیقی می تواند در مشهد باشد، البته بستگی به مسئولان دارد که بتوانند همچین برنامه‌ای اجرا کنند یا نه.

توقع حمایت داریم، اما...

این نوازنده که تجربه اجرا در شهرها و حتی کشورهای مختلف را دارد، مانند دیگر هم صنفان خودش از برگزار نشدن کنسرت موسیقی مقامی در مشهد و همچنین موانعی که بر سر راه «اجراهای همایشی» است گلایه مند است و می‌گوید: کنسرت ها به لحاظ مالی که برای ما چیزی ندارد، چون به خاطر همین سیاست های اشتباهی که بوده استقبال بیشتر به سمت موسیقی پاپ است. اگر ما فعالیتی هم داریم برای فرهنگمان است. پیش از جنگ یک کنسرت داشتیم، به یک بدبختی توانستیم مجوز بگیریم. در واقع اولین و آخرین کنسرتی بود که در مشهد داشتیم و کلی ضرر کردیم و ۵۰، ۶۰ میلیون هم از جیبمان گذاشتیم. خود اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هم می‌داند. ما جرا از این قرار بود که مایک «اجرای پژوهشی» در فرهنگ سرای جهاد دانشگاهی مشهد داشتیم و یک اجرا در نیشابور، اما برنامه نیشابور را کنسل کردیم، چون وقت تبلیغ نداشتیم.

آخر مجوز را یکی دو روز مانده به اجرا می دهند؟ خوب، ما دیگر وقت تبلیغ نداریم. توقع داریم که ارشاد بهتر مجوز بدهد و پشتوانه باشد و در تبلیغات کمکمان کند، اما این کارها را که نمی‌کند، هیچ، چهار تا سنگ هم جلوی راهمان می‌اندازد تا گرفتن مجوز ماه ها طول بکشد. بعد هم یکی دو روز مانده به اجرا مجوز می دهند که آنجا هم دیگر هیچ‌کاری از دستمان برنمی‌آید و باعث می شود بعد از چند ماه تمرین متضرر شویم. ما مثل موسیقی پاپ نیستیم که همان لحظه برای بلیت هایشان بازار سیاه تشکیل شود. ما باید یکی دو ماه وقت داشته باشیم که بتوانیم بلیت بفروشیم. این از حمایت ارشاد از ما. در صورتی که خودشان باید از ما بخواهند این موسیقی را که فرهنگ و تاریخمان است اجرا کنیم. اما حمایت که نمی‌کنند، هیچ، چوب لای چرخ هم می‌گذارند.

جواد روشندل، پژوهشگر فرهنگ عامه، از فریادخوانی‌ها در خراسان می گوید

آواهایی از دل تاریخ و فرهنگ در آستانه فراموشی

گپ و گفت

فریادخوانی ها در خراسان رضوی، یکی از کهن‌ترین و کمتر شناخته شده‌ترین جلوه های فرهنگ شفاهی مردم این خطه به شمار می رود؛ آیینی که در آن صدا، ندا، فریاد و آوانه تنها ابزار ارتباط، بلکه حامل معنا، هویت، احساس و تجربه های زیسته مردم بوده است. این سنت شنیداری که ریشه در زندگی روزمره، کار، کوچ، مناسک، سوگواری ها، شادی ها و حتی ارتباطات اجتماعی داشته، امروز در معرض فراموشی قرار گرفته و نیازمند توجه جدی است. جواد روشندل پژوهشگر فرهنگ عامه، فریادخوانی ها را بخشی از تاریخ اجتماعی و حافظه جمعی مردم خراسان رضوی دانست و در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا، نسبت به کمرنگ شدن آن ها هشدار داد.

جواد روشندل در این باره بیان کرد: فریادخوانی ها صرفا دادزدن یا صداکردن نیست، بلکه نوعی زبان اجتماعی و فرهنگی هست که در زندگی گذشته مردم، نقش مهمی در ایجاد ارتباط، هماهنگی و انتقال پیام داشته است. وی بیان کرد: در گذشته، زمانی که ابزارهای ارتباطی امروز در دسترس نبود، صدا یکی از اصلی‌ترین راه های ارتباطی میان انسان ها بود. مردم برای خبررسانی، فراخوانی، هشدار دادن، اعلام حضور، دعوت به کار یا حتی بیان احساسات و مشارکت در آیین ها از فریادهای خاص استفاده می کردند. این فریادها اغلب حامل معنا، ریتم و لحن مشخص بودند و از همین رو، در بسیاری از موارد جنبه‌ای فراتر از یک صدای ساده پیدا می‌کردند.

این پژوهشگر فرهنگ عامه با تأکید بر اینکه فریادخوانی ها در خراسان رضوی یکدست و یکنواخت نبوده‌اند، توضیح داد: این سنت در موقعیت های گوناگون و با کارکردهای متفاوت شکل گرفته است. بخشی از فریادخوانی ها در بستر کار و معیشت بوده است؛ به عنوان مثال، چوپانان برای هدایت گله، کشاورزان برای هماهنگی در زمان کار، کارگران برای جلب توجه دیگران و کاروان رانان برای ارتباط در مسیرهای طولانی از صداهای خاص استفاده می‌کردند.

این پژوهشگر فرهنگ عامه، یکی از مهم ترین جلوه های فریادخوانی در خراسان رضوی را حضور آن در آیین ها و مراسم مذهبی و سنتی دانست و گفت: در سوگواری ها، عزاداری ها، نقالی ها، تعزیه ها و برخی مناسک آیینی، نوعی فریاد یا ندا نقش برجسته ای داشته است. روشندل، همچنین بر تأثیر جغرافیا در شکل‌گیری این میراث شنیداری تأکید کرد و افزود: خراسان رضوی با گستره وسیع جغرافیایی، تنوع اقلیمی و پراکندگی سکونتگاه ها، بستری مناسب برای شکل‌گیری گونه های مختلف فریادخوانی فراهم کرده بود. وی بیان کرد: در دشت های باز، کوهپایه ها، مراتع و مسیرهای طولانی، صدا مهم‌ترین ابزار ارتباطی بود. از این رو، مردم ناگزیر بودند برای رساندن پیام، از آواهایی استفاده کنند که هم شنیده شوند و هم معنا را منتقل کنند. این پژوهشگر فرهنگ عامه در ادامه، نسبت به روند فراموشی این آیین ها ابراز نگرانی کرد و افزود: با تغییر سبک زندگی، افزایش جمعیت شهری، کوچک شدن فاصله های ارتباطی از طریق ابزارهای دیجیتال و کاهش وابستگی به صدا در بسیاری از امور روزمره، فریادخوانی ها کارکرد پیشین خود را از دست داده‌اند. وی بیان کرد: نسل جدید کمتر با این سنت ها رو به رو شده و اگر اقدامی جدی صورت نگیرد، ممکن است بسیاری از این گونه های فرهنگی برای همیشه از حافظه اجتماعی حذف شوند. این پژوهشگر فرهنگ عامه، ثبت و مستندسازی فریادخوانی ها را ضروری دانست و گفت: باید این آواها در قالب پژوهش های میدانی، ضبط های صوتی و تصویری، ثبت مکتوب و تحلیل های مردم شناختی گردآوری شوند تا آیندگان بتوانند با این بخش از میراث فرهنگی آشنا شوند.

روشندل در ادامه بیان کرد: بی توجهی به این‌گونه میراث های ناملموس، باعث می شود بخشی از تنوع فرهنگی و تاریخی کشور از میان برود. وی تأکید کرد: ثبت فریادخوانی ها باید در کنار سایر عناصر فرهنگ عامه مانند لالایی ها، متل ها، ترانه های محلی، آیین ها و گویش ها دنبال شود تا تصویری کامل‌تر از فرهنگ بومی خراسان رضوی به دست آید. این مجموعه عناصر در کنار یکدیگر هویت فرهنگی یک جامعه را شکل می دهند و حذف هر بخش، به معنای ناقص شدن این تصویر است.

هنرگرام

نوشته پرویز پرستویی برای اکبر عبدی در بیمارستان

پرویز پرستویی که در فیلم «آدم برفی» با اکبر عبدی همکاری داشته است، خطاب به مردم نوشت که برای سلامتی اکبر عبدی دعا کنند. این بازیگر سرشناس تلویزیون و سینمای کشور در پی بستری شدن اکبر عبدی در بیمارستان با تصویری از نقش‌آفرینی اکبر عبدی در فیلم «آدم برفی» نوشت: «هم وطنان عزیزم! می دونم از ۹ اسفند حالمون هم بده و هم خوب. هم داغداریم و هم احساس غرور می‌کنیم. خون دادیم و جان دادیم ولی خاک ندادیم. برای اینکه ایران، ایران بماند. ولی دلم می خواهد با قلب پاکتون برای هنرمند عزیزمون عمو اکبر عزیز دعا کنید. چراکه شما رو دوست داشته و داره... عاشق ایرانه و وطن. عمو اکبر عزیزم! هنرمند خوش قلب. بازیگر تکرار ناشدنی عرصه کمدی و درام. آرزوی سلامتی و تندرستی برات دارم.»

چارسوق هنر

اجرای زنده نقاشی حسن روح‌الامین در میان تجمع مردمی

حسن روح الامین، در رویدادی با عنوان «نقش میان میدان» برای اولین بار در فضایی متفاوت، در میدان تجریش و در حضور تجمعات مردمی به آفرینش اثری تازه می پردازد. این هنرمند مطرح که همواره در وقایع مهم تاریخی حاضر بوده و آثار متفاوتی را به ثبت رسانده است، روز پنجشنبه ۲۴اردیبهشت اثر جدیدی را در رویدادی با عنوان «نقش میان میدان» به تصویر می‌کشد. این هنرمند قرار است از ساعت ۲۰ و به مدت سه ساعت، هم زمان با حضور مردم در میدان تجریش، این اتفاق هنری را به صورت زنده اجرا کند.

پیش تولید فصل جدید «محفل ستاره ها» کلید خورد

ساخت فصل سوم «محفل ستاره ها» وارد فاز استعدادیابی و تولید شده است و به زودی کلید می خورد. به گزارش خبرگزاری مهر، تیم تولید از تمامی نوجوانان و کودکان دارای مهارت های قرآنی، هنری و تلاوت دعوت کرده است تا در این فصل حضور پیدا کنند. متقاضیان شرکت در فصل سوم «محفل ستاره ها» لازم است یک ویدئوی افقی از خود ضبط کنند. در این ویدئو ضمن ذکر نام، سن و شهر محل سکونت، مهارت تخصصی خود در زمینه هایی مانند تلاوت قرآن، حفظ، پرداختن به مفاهیم و داستان های قرآنی، یا سایر هنرهای مرتبط را بیان کرده و بخش کوتاهی از اجرای خود را به نمایش بگذارند. علاقه مندان می توانند ویدئوی ضبط شده را از طریق پیام رسان های ایرانی (بله، ایتا، روبیکا و شاد) به نشانی setare_mahfel برای تیم تولید برنامه ارسال کنند یا عدد ۳ را به شماره پیامکی ۳۰۰۰۱۱۴۵ بفرستند. هدف از این مرحله، شناسایی استعدادهای قرآنی در سراسر کشور و ایجاد فضایی شاد و آموزنده برای نسل کودک و نوجوان است. علاقه مندان برای اطلاع از جزئیات بیشتر و زمان دقیق آغاز فیلم برداری، می توانند اخبار سایت محفل و کانال های رسمی برنامه را دنبال کنند.

حسن فتحی سریال تاریخی «ده پهلوان» را کلید زد

تهیه‌کننده و کارگردان سریال «ازازیل» از آغاز دوباره تولید سریال جدید خود با عنوان «ده پهلوان» خبر داد. این سریال که برای پلتفرم شیدا آماده می شود، در دوران صفوی می‌گذرد. حسن فتحی که سال گذشته سریال «ازازیل» را به دلیل مشکلات مالی در یک فصل به پایان رساند، بار دیگر با حمایت مالی محمد امامی، تولید سریال جدید خود را آغاز کرده است. فتحی پیش از این فرایند تولید «ده پهلوان» را شروع کرده بود، اما به دلیل مشکلات مالی، ساخت آن نیمه‌کاره باقی مانده بود. با تأمین بودجه از سوی محمد امامی، تصویربرداری این مجموعه تاریخی مجدد آغاز شده است.

پخش مجموعه پویانمایی «بوستان سعدی» از تلویزیون

مجموعه پویانمایی «بوستان سعدی» شامل حکایاتی از بوستان سعدی برای مخاطب کودک و نوجوان است که با تکنیک دوبعدی در مرکز پویانمایی صبا تهیه و تولید شده است. به گزارش ایسنا، مجموعه پویانمایی «بوستان سعدی» با هدف آموزش مفاهیم اخلاقی و فرهنگی به مخاطبان کودک و نوجوان، آماده پخش از شبکه نهال است. این اثر که با کارگردانی ملوس مراد تهیه و تولید شده، با استفاده از تکنیک پویانمایی دوبعدی، سعی در بازآفرینی فضای حکایات کلاسیک دارد. طبق جدول پخش شبکه نهال، این مجموعه هر هفته روزهای پنجشنبه و جمعه در دو نوبت ساعت ۱۶:۳۰ و ۲۰:۳۰ پخش می شود.

فیلم‌برداری «فک و فامیل» از سرگرفته شد

مجموعه ۴۵ قسمتی «فک و فامیل» به کارگردانی حسین دارابی از ۲۰ روز گذشته فیلم برداری خود را از سرگرفته و تا یک ماه و نیم دیگر تولید این مجموعه تلویزیونی ادامه خواهد داشت. به گزارش خبرگزاری ایرنا، تدوین هم زمان این مجموعه در حال انجام است و تا دو ماه دیگر از تلویزیون آماده پخش می شود. بخش دیگری از مراحل کار از جمله آهنگ سازی مجموعه نیز هم زمان در حال انجام است. پس از اتمام فیلم برداری و گذراندن مراحل پس تولید، این مجموعه روی آنتن خواهد رفت. پروژه فک و فامیل با سرمایه‌گذاری مرکز سیمرغ و مشارکت حوزه هنری تولید می شود. این اثر در ژانر سیتکام (Sitcom) تولید می شود و تمرکز داستانی آن بر روایت زندگی اهالی یک آپارتمان در جریان «جنگ ۱۲ روزه» است. «مصلحت»، «هناس» و «خدای جنگ» از آثاری است که تاکنون توسط حسین دارابی کارگردانی شده است. این مجموعه قرار بود برای پخش از تلویزیون در ماه رمضان آماده شود که به دلیل جنگ رمضان این کار متوقف شد و از ۲۰ روز گذشته کار خود را از سر گرفته است. مهدی هاشمی و مریم سعادت از بازیگران این مجموعه هستند.